

تدریس درس هفتم جامعه‌شناسی پایه یازدهم

عنوان درس جامعه جهانی

دیبر زهرا نجاتی استان لرستان شهرستان دلفان

دانش آموزان عزیز می‌خواهیم در این درس درباره جامعه جهانی با هم صحبت کنیم

همان گونه که از اسم درس مشخص است جامعه جهانی یعنی یک جهان بزرگ که کل مردم دنیا را در بر می‌گیرد. اما این یک تصور ساده از جامعه جهانی است. در هر دوره تاریخی جوامع زیادی وجود داشته و این جوامع با هم دیگر روابط متقابل داشته‌اند. و عوامل متفاوتی سبب شکل‌گیری روابط بین جوامع شده است. مانند: جنگ، تجارت، صلح، مهاجرت و غیره.

جامعه جهانی براساس ویژگی‌های فرهنگی و قدرت تأثیر گذاری جوامع مختلف حالت‌های مختلفی به خود می‌گیرد:

الف) هنگامی که یک فرهنگ در سطح جهانی غالب باشد. به میزانی که فرهنگ غالب، ویژگی‌های مطلوب یک فرهنگ جهانی را داشته باشد، جامعه جهانی از انسجام بیشتری برخوردار خواهد بود. (این جامعه آرمانی است). در صورتی که فرهنگ یا فرهنگ‌های غالب و تأثیر گذار فاقد ویژگی‌های مطلوب باشند، جامعه جهانی با چالش‌ها و تضادهای درونی مواجه خواهد شد. بعنوان مثال: فرهنگ سلطه، جامعه جهانی رابه بخش‌های مرکز و پیرامون تقسیم می‌کند، کشورهای پیرامون را به مرکز وابسته می‌سازد و زمینه ستیز و چالش میان آنها را ایجاد می‌کند.

ب) هنگامی که جامعه جهانی عرصه حضور فعال فرهنگ‌های متفاوت باشد: تعاملات، گفتگوها و برخوردهای فرهنگی و تمدنی رخ خواهد داد، در این صورت چالش‌های جامعه جهانی نیز از نوع چالش‌های بین فرهنگی و تمدنی خواهند بود. بعنوان مثال: مواجهه فرهنگ غرب با فرهنگ اسلام که نمونه چالش بین فرهنگ‌ها در سطح جهان است.

جامعه جهانی در گذشته (قبل از ظهور غرب جدید):

هریک از تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف در بخشی از جهان، حاکمیت و قدرت سیاسی مربوط به خود را به وجود آورده بودند. روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی بین کشورهای مختلف با حاکمیت‌های متفاوت، برقرار بود. جامعه جهانی که از طریق روابط بین کشورها شکل می‌گرفت، سرنوشت تعاملات فرهنگی را تابع روابط سیاسی، نظامی یا اقتصادی قرار نمی‌داد. که این امر موجب نتایج زیر می‌شد:

۱- کشورهایی که از نظر نظامی مورد هجوم قرار می‌گرفتند، در صورتی که از ظرفیت فرهنگی برتری برخوردار بودند، گروه مهاجم را درون خود هضم و جذب می‌کردند. بعنوان مثال: فرهنگ ایرانی با وجود پیروزی یونانیان در

دوره حاکمیت سلوکیان، هویت خود را حفظ کرد. چین با آنکه از مغولان شکست خورده بود، فرهنگ خود را بر آنها تحمیل کرد. و جامعه اسلامی شکست نظامی از مغولان را با غلبه فرهنگی بر آنان جبران کرد.

۲- در نظام جهانی که در گذشته جهان شکل می گرفت امکان عبور فرهنگ های مختلف از مرزهای جغرافیایی از مسیر روابط یا گفتگوهای مستقیم علمی و معرفتی وجود داشت.

بعنوان مثال: بسط و گسترش فرهنگ اسلامی بر قدرت سیاسی و نظامی آن متکی نبود، بلکه مرهون قوت و قدرت فرهنگی آن بود و ایرانیان اجبار و الزامی به مسلمان شدن نداشتند و به تدریج اسلام را پذیرفتند. مسلمانان آسیای جنوب شرقی فارغ از قدرت سیاسی اسلام، از طریق تجارت با فرهنگ اسلام آشنا شده و مسلمان شدند.

ویژگی های جامعه جهانی جدید:

فرهنگ غرب از سده هفدهم تا بیستم، شکل جدیدی به روابط میان جوامع یا جامعه جهانی بخشید.

در دو سده نوزدهم و بیستم، سازماندهی سیاسی و اقتصادی جدیدی شکل گرفت که جوامع غربی را به صورت جوامع مرکزی و دیگر جوامع را به صورت جوامع پیرامونی در آورد.

در طی سده های نوزدهم و بیستم، موقعیت فرهنگی کشورهای غیر غربی در حاشیه روابط و نظام های سیاسی و اقتصادی جهانی، وضعیتی متزلزل و آسیب پذیر پیدا کرد. (تعارض یا تزلزل فرهنگی و ...)

شکل گیری نظام نوین جهانی :

در فرایند تکوین نظام نوین جهانی چهار مرحله اتفاق افتاد که عبارتند از:

۱- پیدایش قدرت های سیاسی سکولار

۲- پیوند قدرت و تجارت، سرمایه و صنعت

۳- به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان های فراماسونری

۴- استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی

مرحله اول: پیدایش قدرت های سیاسی سکولار:

۱- زوال تدریجی قدرت کلیسا منجر به حاکمیت فئودال ها و اربابان بزرگ (کنت ها و لردها) شد. این حکومت ها خود را با هویت دینی و معنوی تعریف می کردند.

۲- با انقلاب فرانسه (اواخر قرن هجدهم)، دولت هایی شکل گرفتند که به طور رسمی، جدایی خود را از دین اعلام کردند.

۳- دولت های جدید بر خلاف حکومت های گذشته، خود را با هویتی دینی نمی شناختند.

۴- دولت های جدید، خود را در ابعاد جغرافیایی تاریخی و خصوصا نژادی و قومی می شناختند.

مرحله دوم: پیوند قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت

۱- رشد تجارت، رشد برده داری، انتقال برده های سیاهپوست آفریقایی به مزارع آمریکایی و انتقال ثروت به جوامع اروپایی موجب شد تا بازرگانان و تجار نسبت به زمین داران جایگاه برتری پیدا کنند.

۲- دولت ها برای افزایش قدرت خود به سرمایه و پول بازرگانان نیاز داشتند.

۳- بازرگانان برای تجارت و سود نیازمند حمایت ناوگان نظامی دولت ها بودند.

۴- بدین ترتیب پیوند قدرت با تجارت و سرمایه و ثروت شکل گرفت.

۵- صنعت، عنصر دیگری بود که بر فرایند انباشت ثروت و موقعیت سرمایه داران افزود.

بنابراین علل برتری جایگاه تجار نسبت به سرمایه داران عبارتند از: رشد تجارت، رشد برده داری، انتقال برده های سیاهپوست به مزارع آمریکایی، انتقال ثروت به جوامع اروپایی و صنعت و انباشت ثروت.

مرحله سوم: به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان های فراماسونری:

کشورهایی غربی به مواد خام، نیروی کار ارزان و بازار مصرف کشورهای غیر غربی نیاز داشتند. آنان برای تامین منابع اقتصادی نیازمند در هم شکستن مقاومت فرهنگی اقوامی بودند که سلطه و نفوذ کشورهای غربی را نمی پذیرفتند.

کشورهای غربی برای در هم شکستن مقاومت فرهنگی کشورهای تحت نفوذ خود، در نخستین مراحل از مبلغان مذهبی و سازمان های فراماسونری استفاده می کردند.

دولت های غربی و سکولار در حمایت از مبلغان مسیحی انگیزه دینی نداشتند. آنها همان گونه که در ابتدا حرکت های پروتستانی را برای حذف قدرت کلیسا و ایجاد یک سیاست سکولار به خدمت گرفتند، از تبلیغ مسیحیت برای گسترش جهانی قدرت خود استفاده می کردند. با تبلیغ مسیحیت فرهنگ عمومی جوامع غیر غربی را دچار اختلال می کردند. دولت های سکولار از طریق این سازمان ها، بر نخبگان سیاسی کشورهای دیگر تأثیر می گذاشتند.

سازمان های فراماسونری: سازمان های فراماسونری از ابزارهای آموزشی و سیاسی بودند که کشورهای غربی از آنها برای بسط اندیشه های غربی در میان نخبگان و رجال سیاسی کشورهای غیر غربی بهره می جستند.

مرحله چهارم: استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی:

استعمار مهمترین عامل برای ادغام جوامع غیر غربی در نظام جهانی جدید بود.

کشورهای استعمار زده به دو نوع تقسیم می شوند:

۱- کشورهایی که توسط استعمارگر گران به اشغال کامل نظامی در آمدند. بعنوان مثال هند (کمپانی هند شرقی)، الجزایر و اندونزی (هند هلند)

۲- کشورهایی که جوامع آنها از قدرت بیشتری برخوردار بودند و کشورهای غربی نمی توانستند به صورت مستقیم آنها را تحت سلطه سیاسی خود در آورند، از طریق نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در نظام نوین جهانی ادغام شدند. در دوره استعمار جوامع نوع دوم، تحت نفوذ کشورهای استعمارگر قرار می گرفتند و در شرایط نیمه استعماری به سر می بردند، مانند چین، عثمانی و ایران.

نمونه هایی از جوامع ادغام شده در نظام نوین جهانی جدید:

چین: بزرگترین کشور شرق آسیا بود. در قرن ۱۹ میلادی از طریق تهدید نظامی، نفوذ گروه های مبلغ مسیحی و روابط اقتصادی ضعیف شد و هر بخش آن تحت تسلط یکی از کشورهای اروپایی در آمد.

عثمانی: بزرگترین امپراطوری اسلامی محسوب میشد. در قرن ۱۹ میلادی در اثر تهدید نظامی و نفوذ گروه های مسیحی و فراماسونری و روابط اقتصادی از هم پاشید. بخش های عمده ای از آن جدا شد و دهها کشور از درون آن سر بر آورد و هر یک تحت سلطه یکی از کشورهای اروپایی در آمد.

جوامع استعمار زده با وجود مقاومت های که طی قرن بیستم انجام دادند، با استعمار نو و فرانو مواجه شدند.

دیبر زهرا نجاتی استان لرستان شهرستان دلفان